irannewspaper.ir

شنبه • ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۴۱
• اذان ظهر ۱۲/۰۳ • اذان مغرب ۱۹/۳۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۰۳/۰۳ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۴۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):
جز با اطاعت از خدا نمی‌توان به عزت رسید.

غررالحکم / حدیث ۸۰۸

نقل قول

شاید امسال «فرزند صبح» به نمایش در بیاید

خود آقا سیدحسن (خمینی) علاقه‌مند بود و فیلمنامه «فرزند صبح» را خواند و درباره بازیگران هم پیشنهادهایی داشت که من توضیح می‌دادم به دلایلی نمی‌شود از آنها دعوت کرد، چون از فیلم «روز شیطان» عادت کرده بودم که عده‌ای هم از داخل و هم از خارج فشارهایی می‌آورند به بازیگران و می‌گفتند بعداً نمی‌توانید کار کنید. اول تست گریمی روی جمشید آریا زدیم و برخلاف اینکه خیلی‌ها فکر می‌کنند ارشاد اجازه بازی او را نداد واقعیت این است گریمی که روی جمشید آریا انجام شد خوب در نیامد. بعد خیلی شانسی از عبدالرضا اکبری خواستم بیاید و همان تست اول گریم فوق‌العاده درآمد، آنقدر خوب شد که وقتی عکس او را به بعضی مدیران ارشاد نشان دادیم تصور می‌کردند عکس امام است. شاید همین امسال بالاخره این فیلم روی پرده سینماها برود. البته از آنجا که خیلی تابع قضا و قدر هستم معتقدم وقت مناسب که برسد فیلم هم به نمایش درمی‌آید.

از صحبت‌های بهروز افخمی با ایسنا

دورخیز «میرکریمی» برای «رئیس‌علی»

پروژه تازه سیدرضا میرکریمی، کارگردان فیلم‌هایی چون «خیلی دور خیلی نزدیک» و «قصر شیرین»، وارد مرحله پیش‌تولید شد. این اثر تاریخی با عنوان «رئیس‌علی» درباره زندگی و مبارزات رئیس‌علی دلواری ساخته می‌شود و در قالب فیلم سینمایی و مینی‌سریال تولید خواهد شد. فیلمنامه بر پایه پنج سال تحقیق نوشته شده و سرمایه‌گذاری آن را مرکز سیمافیلم برعهده دارد. همزمان با آغاز پیش‌تولید، فراخوان عمومی برای انتخاب بخشی از بازیگران اصلی و فرعی این پروژه منتشر شده است. /ایران

عطش مخاطبان برای «اودیسه» «نولان»

فیلم تازه کریستوفر نولان با عنوان «اودیسه» پیش از اکران با استقبال کم‌سابقه مخاطبان روبه‌رو شده است؛ تا جایی که تقاضای بالا برای پیش‌فروش بلیت در سینماهای زنجیره‌ای AMC حتی باعث اختلال موقت سامانه فروش شد و برخی کاربران بیش از یک ساعت در صف خرید بلیت مانده‌اند. این حماسه ماجراجویانه با بودجه ۲۵۰ میلیون دلاری ۲۵ تیر روی پرده می‌رود. نولان پس از موفقیت «اوپنهایمر» بار دیگر با اثری پرستاره توجه سینماروها را جلب کرده است. /مهر

«حاتمی‌کیا» و حذف یک سکانس ماندگار

۳۴ سال پس از تولید «از کرخه تا راین»، ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا، حذف سکانس تشییع امام خمینی(ره) از نسخه‌های منتشرشده در برخی پلتفرم‌های نمایش خانگی خبرساز شده است. این صحنه از لحظات ماندگار فیلم بود. منوچهر محمدی، تهیه‌کننده اثر، پیش‌تر روایت کرده بود که همین سکانس در زمان تولید نیز محل بحث بود و حتی در جلسه نمایش فیلم برای رهبر شهید مورد توجه قرار گرفت و فرمودند: «این ۶۰ ثانیه به کل عملکرد چهل روز عزاداری رسمی در رحلت امام می‌ارزد.» /ایران

انتقاد تند کارگردان بزرگ آمریکایی به سینمای امروز هالیوود

وقتی تارانتینو دیگر جادوی سینما را نمی‌بیند

یادداشت

مهرداد پارسایی
منتقد سینما

کوئنتین تارانتینو، کارگردان برنده اسکار آمریکایی، با انتقاد تند از سینمای امروز هالیوود، آن را «کارخانه سوسیس‌سازی بی‌مزه» خواند و اعلام کرد که فیلم‌های جدید دیگر مانند گذشته او را مجذوب خود نمی‌کنند و اکنون ترجیح می‌دهد به جای تماشای فیلم، کتاب بخواند. به نظر می‌رسد که انتقاد تند او از وضعیت امروز هالیوود، صرفاً گلایه یک فیلمساز مشهور از آثار جدید نیست، بلکه نشانه‌ای از بحرانی عمیق‌تر در صنعت سینماست. کارگردانی که با آثاری چون «داستان عامه‌پسند»، «بیل را بکش» و «روزی روزگاری در هالیوود» به یکی از تأثیرگذارترین فیلمسازان معاصر تبدیل شده، اکنون از هالیوود به عنوان «یک کارخانه سوسیس‌سازی بی‌مزه» یاد می‌کند؛ توصیفی که بیش از هر چیز به تولید انبوه، فقدان خلاقیت و تکرار فرمول‌های از پیش آزموده‌شده اشاره دارد.

تارانتینو در مقاله اخیر خود، از تجربه‌ای سخن می‌گوید که احتمالاً برای بسیاری از سینمادوستان نیز آشناست؛ اینکه هنگام تماشای فیلم‌های جدید، بیش از آنکه جذب جهان داستان شوند، مدام با نقص‌های روایی، شخصیت‌های غیرقابل باور، انتخاب‌های اشتباه بازیگران و تلاش آشکار سازندگان برای جلب رضایت حداکثری مخاطب مواجه می‌شوند. از نگاه او، این مشکلات آن‌قدر فراگیر شده‌اند که دیگر به سختی می‌توان فیلمی را یافت که بتواند تماشاگر را کاملاً در خود غرق کند.

نکته جالب در سخنان تارانتینو این است که او گذشته را نیز بی‌عیب و نقص نمی‌داند. او اذعان می‌کند که دهه ۱۹۸۰ نیز سرشار از فیلم‌های متوسط و ضعیف بود. با این حال، تفاوت اصلی در نگاه او به ماهیت سینما نهفته است. به باور تارانتینو، حتی آثار ضعیف آن دوران در بستری تولید می‌شدند که هنوز عشق به سینما و تجربه جادویی سالن تاریک را زنده نگه می‌داشت. امروز اما این جادو کم‌رنگ شده و خود مفهوم «فیلم» نیز در حال تغییر است.

این تغییر البته تنها به کیفیت آثار محدود نمی‌شود. ظهور پلتفرم‌های استریم، تغییر عادت‌های تماشای مخاطبان، سلطه الگوریتم‌ها بر تصمیم‌گیری‌های تجاری و وابستگی روزافزون استودیوها به دنباله‌ها، بازسازی‌ها و مجموعه‌های شناخته‌شده، ساختار سنتی سینما را دگرگون کرده است. در چنین شرایطی، ریسک‌پذیری هنری کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند به جای حمایت از ایده‌های تازه، روی برندهای امتحان‌پس‌داده سرمایه‌گذاری کنند.

از همین منظر می‌توان انتقاد تارانتینو را فراتر از یک اظهار نظر شخصی دانست. او در واقع از صنعتی سخن می‌گوید که به‌تدریج میان هنر و تجارت، کفه ترازو را به سود تجارت سنگین‌تر کرده است. وقتی موفقیت یک فیلم پیش از هر چیز با شاخص‌های فروش، داده‌های مخاطب و قابلیت توسعه به یک مجموعه چندرسانه‌ای سنجیده شود، طبیعی است که خلاقیت فردی فیلمسازان در حاشیه قرار گیرد.

با این حال، تارانتینو به طور کامل ناامید نیست. او در همان مقاله از چند اثر معاصر تمجید می‌کند؛ از جمله «داستان وست ساید» استیون اسپیلبرگ و پروژه بلندپروازانه «افق: یک حماسه آمریکایی» ساخته کوین کاستنر. این تحسین‌ها نشان می‌دهد که از نظر او هنوز هم امکان خلق آثار ارزشمند وجود دارد، اما این آثار به استثنا تبدیل شده‌اند، نه قاعده.

شاید مهم‌ترین بخش سخنان تارانتینو جمله‌ای باشد که می‌گوید این روزها ترجیح می‌دهد کتاب بخواند. این جمله در ظاهر ساده، حامل معنایی عمیق است. وقتی یکی از عاشق‌ترین فیلم‌بازان تاریخ سینما، کسی که زندگی حرفه‌ای و شخصی خود را وقف این هنر کرده، دیگر کمتر از سینما لذت می‌برد، باید این پرسش را جدی گرفت که آیا سینمای امروز توانایی برانگیختن شور و شوق گذشته را از دست داده است؟

البته ممکن است بخشی از این نگاه ناشی از نوستالژی باشد. هر نسلی معمولاً هنر دوران جوانی خود را اصیل‌تر و تأثیرگذارتر می‌داند. اما حتی اگر این عامل را نیز در نظر بگیریم، نمی‌توان انکار کرد که صنعت فیلمسازی در سال‌های اخیر با چالش‌های جدی مواجه شده است؛ از بحران‌های اقتصادی گرفته تا تغییر رفتار مخاطبان و رقابت شدید با شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های ویدیویی.

برش

کوئنتین تارانتینو، کارگردان برنده اسکار آمریکایی، با انتقاد تند از سینمای امروز هالیوود، آن را «کارخانه سوسیس‌سازی بی‌مزه» خواند و اعلام کرد که فیلم‌های جدید دیگر مانند گذشته او را مجذوب خود نمی‌کنند و اکنون ترجیح می‌دهد به جای تماشای فیلم، کتاب بخواند

لزوم بازاندیشی درباره آینده سینما

انتقاد تارانتینو را باید هشداری از سوی یکی از مهم‌ترین مدافعان هنر سینما تلقی کرد. او نه از سر دشمنی با هالیوود، بلکه از موضع عشق و دلبستگی به سینما سخن می‌گوید. شاید به همین دلیل، ارزش واقعی حرف‌های او در حمله به فیلم‌های امروز نباشد، بلکه در یادآوری این نکته باشد که سینما زمانی بزرگ‌ترین هنر قرن بیستم شد که می‌توانست مخاطب را شگفت‌زده کند، او را به جهان‌های تازه ببرد و تجربه‌ای فراتر از سرگرمی صرف خلق کند. پرسش اصلی این است که آیا هالیوود امروز هنوز چنین توانایی‌ای دارد یا خیر؟

نکته دیگری که در سخنان تارانتینو قابل تأمل است، رابطه میان سینما و مخاطب در عصر جدید است. در گذشته، تماشای فیلم یک رویداد فرهنگی محسوب می‌شد. مخاطب برای دیدن یک اثر سینمایی به سالن می‌رفت، زمان مشخصی را به آن اختصاص می‌داد و تجربه‌ای جمعی را با دیگران به اشتراک می‌گذاشت. اما امروز، فیلم در کنار صدها گزینه سرگرمی دیگر قرار گرفته است؛ از سریال‌های بی‌پایان پلتفرم‌های استریم گرفته تا ویدیوهای کوتاه شبکه‌های اجتماعی که برای جلب توجه مخاطب با یکدیگر رقابت می‌کنند.

این تغییر، ناخواسته بر شیوه فیلمسازی نیز اثر گذاشته است. بسیاری از آثار جدید تلاش می‌کنند در کوتاه‌ترین زمان ممکن مخاطب را جذب کنند و لحظه‌ای از توجه او را از دست ندهند. نتیجه چنین رویکردی گاهی به آثاری منجر می‌شود که بیش از آنکه بر شخصیت‌پردازی، فضاسازی و روایت عمیق تکیه داشته باشند، بر شوک‌های لحظه‌ای، ریتم تند و فرمول‌های ازپیش‌تعیین‌شده متکی هستند. شاید همین مسأله است که تارانتینو از آن به عنوان از بین رفتن «جادوی سینما» یاد می‌کند.

با این همه، تاریخ سینما نشان داده است که این هنر بارها از بحران‌های مختلف عبور و خود را بازآفرینی کرده است. همان‌طور که ورود تلویزیون، ویدیو و اینترنت نتوانست سینما را از میان ببرد، شاید تحولات امروز نیز در نهایت به ظهور نسل تازه‌ای از فیلمسازان و شکل‌های جدیدی از خلاقیت منجر شود. بنابراین، انتقاد تارانتینو را می‌توان نه پایان یک عصر، بلکه دعوتی برای بازاندیشی درباره آینده سینما دانست.

پیشخوان فرهنگی

وقتی عشق با سکوت حرف می‌زند

«شیزوکا و بابا» فقط یک درام عاشقانه معمولی نیست؛ بیشتر شبیه مکثی است بر مفهوم شنیدن. مجموعه‌ای محصول ۲۰۲۲ ژاپن که از ۱۵ خرداد هر شب حوالی ۲۱:۱۵ روی آنتن شبکه دو می‌رود و داستان دختری را روایت می‌کند که پس از فقدان مادر، با پدر کم‌شنوایش زندگی می‌کند. ورود یک مهندس جوان به محله، به بهانه اجرای طرح هوشمندسازی شهری، زندگی آرام آنها را تغییر می‌دهد. در روزگاری که ارتباطات بیش از همیشه پرسر و صداست، این روایت ژاپنی روی ارزش‌هایی مثل اعتماد، فداکاری و احترام متقابل مکث می‌کند. شاید بد نباشد چنین نگاهی، جایی در فهرست تماشا قرار بگیرد برای یادآوری اینکه بعضی رابطه‌ها با آهستگی ساخته می‌شوند.

سه قاب از جنگ

سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران در ادامه برنامه «سینما جنگ»، سه مستند کوتاه را با همکاری مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی یکشنبه ۱۷ خرداد ساعت ۱۶ روی پرده می‌برد. «برای کیان» ساخته سارا طالبیان، روایتی است از کودکی چهارساله که تنها بازمانده حمله موشکی به ساختمانی در تهران است؛ کودکی که هنوز از فقدان پدر و مادرش خبر ندارد و پدربزرگ و مادربزرگ تلاش می‌کنند زندگی عادی را به او برگردانند. فیلم، بیش از آنکه صرفاً گزارشی از یک فاجعه باشد، درباره تاب‌آوری و شکنندگی همزمان انسان است.

«نجوای چیزها» اثر علی همراز، سراغ پرسشی فلسفی می‌رود: آیا اشیا به ما اعتبار می‌دهند یا ما به آن‌ها؟ در بستر جنگ، اشیا به حاملان خاطره تبدیل می‌شوند؛ صندلی، پنجره، چراغ، هرکدام سندی از زیستِ پیش از حادثه‌اند. و «پشت چراغ قرمز» به کارگردانی مهدی باقری، لحظه‌ای را دستمایه قرار می‌دهد که آدم‌ها بی‌خبر از چند دقیقه بعد، پشت چراغ قرمز ایستاده‌اند. مستندی جستاری درباره فاصله باریک زندگی و مرگ. این سه فیلم می‌توانند در لیست تماشا جایی داشته باشند نه برای بازتولید اندوه، بلکه برای دقیق‌تر دیدن آنچه معمولاً از کنارش عبور می‌کنیم.

محیط زیست از قاب هنرمندان

در نهصد و چهل و نهمین شب از شب‌های مجله بخارا، کتاب «محیط زیست از نگاه هنرمندان» رونمایی می‌شود؛ کتابی ۲۴۴ صفحه‌ای که حاصل گردآوری آثار منتخب بیست دوره جشن «تصویر سال» با محور محیط زیست است. این مجموعه با مقدمه‌ای از محمد درویش منتشر شده و به همت انتشارات تصویر ایران به چاپ رسیده است. در مراسم رونمایی، چهره‌هایی چون ابراهیم حقیقی، احمد عربانی، محمدمهدی عسگرپور، سیف‌الله صمدیان و علی دهباشی حضور دارند. برنامه، یکشنبه ۱۷ خرداد ساعت ۱۷ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. اهمیت این کتاب در این است که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های زیست‌محیطی ایران منتشر شده است و هنر، نقش هشداردهنده‌ای آرام و ماندگار دارد.

صدایی برای وطن

علیرضا قربانی قطعه تازه‌ای با نام «گلوبَند ایران» منتشر کرده؛ با آهنگسازی حسام ناصری، تهیه‌کنندگی محسن خباز و شعری از حسین غیاثی. اثری که از دل ماه‌ها تأمل بیرون آمده و در یادداشت خواننده، وطن به عنوان مفهومی ماندگار و فراتر از زمان توصیف شده است. در بخشی از این یادداشت، ایران جایی معرفی می‌شود که «بوده است و خواهد ماند»؛ سرزمینی که رنج و دلبستگی را همزمان در خود دارد. حال‌وهوای قطعه، بیش از هر چیز بر حس دلتنگی و تعلق تکیه می‌کند. «گلوبَند ایران» می‌تواند در فهرست شنیدن جای بگیرد. قطعه‌ای برای لحظاتی که آدم می‌خواهد میان هیاهوی روزمره، کمی مکث کند و به مفهوم خانه، سرزمین و خاطره فکر کند.

درباره نقش هنرمندان در ایام جنگ و پساجنگ

راویان همدلی و بانیان انسجام اجتماعی

نگاه

گروه فرهنگی

مهدی شفیعی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ایرنا حضور هنرمندان در صحنه و کنار مردم در ایام جنگ تحمیلی و پس از آن را قابل تقدیر دانست و گفت: «باید تلاش کنیم شرایط را برای حضور همه هنرمندان با تمام سلایق فراهم کنیم.» واقعیت این است که در روزگارسخت جنگ، آنچه یک جامعه را از فروپاشی روانی و گسست اجتماعی نجات دهد؛ سرمایه‌ای نامرئی اما قدرتمند به نام «انسجام اجتماعی» است. این سرمایه زمانی شکل می‌گیرد که افراد جامعه با وجود تفاوت در دیدگاه‌ها، سلایق و سبک زندگی، خود را بخشی از یک سرنوشت مشترک بدانند. در این میان هنرمندان همواره از مهم‌ترین کنشگران اجتماعی بوده‌اند که می‌توانند در تقویت این حس مشترک نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند.

تجربه روزهای جنگ تحمیلی و پس از آن بار دیگر نشان داد که هنر و هنرمند از متن جامعه جدا نیستند. بسیاری از هنرمندان در این دوران، هر یک به شیوه‌ای در کنار مردم ایستادند؛ برخی با خلق آثار هنری، برخی با حضور در رسانه‌ها و برخی دیگر با همراهی مستقیم در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی. این حضور تنها یک فعالیت حرفه‌ای نبود، بلکه نوعی مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شد که به تقویت روحیه عمومی و ایجاد احساس همدلی کمک کرد.

هنر از معدود زبان‌هایی است که می‌تواند فراتر از مرزهای سیاسی، اجتماعی و حتی نسلی عمل کند. یک نمایش، یک قطعه موسیقی، یک فیلم یا یک اثر تجسمی می‌تواند احساسات مشترک را زنده کند و انسان‌ها را حول مفاهیم بنیادینی چون وطن، امید، ایثار، همدلی و آینده‌ای بهتر گرد هم آورد. از همین رو، در دوره‌های خاص، نقش هنر تنها سرگرمی نیست؛ بلکه بسترسازی برای گفت‌وگو، آرامش روانی و بازسازی سرمایه اجتماعی است.

آنچه در هفته‌ها و ماه‌های پس از جنگ در سالن‌های تئاتر، کنسرت‌ها و رویدادهای هنری مشاهده شد، گواه همین واقعیت است. استقبال گسترده مردم از برنامه‌های هنری نشان داد که جامعه بیش از هر زمان دیگری به فضاهایی برای ارتباط، همدلی و تجربه احساسات مشترک نیاز دارد. هنر توانست به محلی برای بازگشت امید و بازسازی پیوندهای اجتماعی تبدیل شود؛ پیوندهایی که در این شرایط ممکن است آسیب ببینند اما از طریق فعالیت‌های فرهنگی و هنری دوباره تقویت می‌شوند.

نکته مهم دیگر، ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت همه هنرمندان با هر سلیقه و نگرش است. انسجام اجتماعی زمانی معنا پیدا می‌کند که همه صداها فرصت شنیده شدن داشته باشند و همه ظرفیت‌های فرهنگی کشور در خدمت منافع ملی قرار گیرند. جامعه‌ای که بتواند از تنوع دیدگاه‌ها در چارچوب احترام متقابل بهره ببرد، در برابر چالش‌ها مقاوم‌تر خواهد بود. هنرمندان نیز به دلیل ارتباط مستقیم با افکار عمومی، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد این فضای گفت‌وگو و همزیستی ایفا کنند.

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازتعریف جایگاه هنر در توسعه اجتماعی هستیم. حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری نباید صرفاً به عنوان حمایت از یک بخش اقتصادی یا صنفی دیده شود؛ بلکه باید آن را سرمایه‌گذاری برای تقویت سرمایه اجتماعی کشور دانست. هر نمایش موفق، هر فیلم تأثیرگذار و هر اثر هنری که بتواند مردم را به گفت‌وگو و همدلی دعوت کند، در واقع گامی در جهت افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تقویت وحدت ملی است.

هنرمندان در بزنگاه‌های تاریخی بارها نشان داده‌اند که در کنار مردم هستند. اکنون نیز حفظ و تقویت این پیوند میان هنر و جامعه می‌تواند به شکل‌گیری آینده‌ای امیدوارکننده‌تر کمک کند؛ آینده‌ای که در آن انسجام اجتماعی نه یک شعار، بلکه یک واقعیت ملموس و پایدار باشد.